

مطالعات حقوق تطبیقی  
دوره ۸، شماره ۲  
پاییز و زمستان ۱۳۹۶  
صفحات ۴۷۵ تا ۴۹۷

## مبانی دگرترین انتظارات مشروع در حقوق بین الملل سرمایه گذاری

محمدعلی بهمنی\*

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

نجمه تقوی

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

(Email: Nagmeh\_Taghavi@yahoo.com)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۲۵)

### چکیده

در سالیان اخیر در داوری‌های سرمایه‌گذاری نظریه‌ای مبنی بر تأثیر نقض «انتظارات مشروع» سرمایه‌گذار خارجی (نسبت به اینکه دولت میزبان باید به شکل باثبات و یکنواخت عمل نماید) در تصمیم‌گیری نسبت به نقض معاهده سرمایه‌گذاری مطرح شده و آرای داوری به صورت فزاینده‌ای آن را تأیید کرده است. اما تصویری که از این رویه برداشت می‌شود، روشن و شفاف نیست، زیرا دیوان‌های داوری بدون توجیه مبنای حمایت از این انتظارات (صرفاً با ارجاع به آرای داوری پیشین) به حمایت از انتظارات مشروع حکم داده‌اند. در این نوشتار با توجه به حمایت از انتظارات مشروع سرمایه‌گذار به عنوان یکی از عناصر استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه در رویه داوری، مبانی حمایت از انتظارات سرمایه‌گذار تحت این استاندارد تشریح می‌شود.

### واژگان کلیدی

اصول کلی حقوقی، انتظارات مشروع، ثبات، رفتار عادلانه و منصفانه.

## مقدمه

انتظارات سرمایه‌گذار پایه و اساس هر تصمیم راجع به سرمایه‌گذاری است؛ لذا شگفت‌آور نیست که انتظارات سرمایه‌گذار در تجزیه و تحلیل اختلافات بین‌المللی راجع به سرمایه‌گذاری نیز دخیل باشد. مفهوم انتظارات مشروع در حوزه‌های مختلفی از حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری مورد اشاره سرمایه‌گذاران خارجی و دیوان‌های داوری قرار گرفته، اما بیشترین موارد کاربرد خود را در حیطه رفتار عادلانه و منصفانه یافته است و به گفته توماس والد در قضیه «ساندربرد»، به «یک مبنای مستقل ادعا تحت این استاندارد تبدیل شده است»<sup>۱</sup> سرمایه‌گذاران عموماً خواهان ثبات اقتصادی، سیاسی و تقنینی هستند. ثبات برای سرمایه‌گذاران به این مفهوم است که دولتی که در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند، بی‌دلیل و ناروا انتظارات و اتکای مشروع آن‌ها را نقض نخواهد ساخت. هدف حمایت از انتظارات مشروع این است که سرمایه‌گذار خارجی بتواند تصمیمات تجاری معقولی با اتکا بر چارچوب حقوقی دولت میزبان اتخاذ نماید. در مقابل، رژیم تقنینی مؤثر بر سرمایه‌گذاری باید با تغییرات جامعه تطبیق یابد و دولت میزبان باید در جهت پاسخگویی به نیازهای جدید قوانینی وضع نماید. لذا لازم است بین ثبات، امنیت و قابلیت پیش‌بینی برای سرمایه‌گذار خارجی با حق قانون‌گذاری دولت میزبان در راستای نفع عمومی توازن ایجاد شود.

در حال حاضر اینکه انتظارات برآورده‌نشده سرمایه‌گذار در برخی شرایط می‌تواند مبنای ادعا تحت معاهدات حمایت از سرمایه‌گذاری باشد، پذیرفته شده است. اما با وجود کاربرد فراوان این مفهوم، تلاش اندکی از جانب دیوان‌های داوری برای تعیین خاستگاه و مبنای حقوقی این مفهوم صورت گرفته است. برخی دیوان‌های داوری این نظریه را مطرح کرده‌اند که خدشه به انتظارات سرمایه‌گذار ممکن است در تصمیم‌گیری نسبت به نقض معاهده سرمایه‌گذاری (به‌ویژه رفتار عادلانه و منصفانه) مؤثر باشد. لذا پرسش اساسی این نوشتار این است که خاستگاه و مبنای حمایت حقوقی از انتظارات سرمایه‌گذار چیست؟ دیوان داوری به استناد کدام‌یک از منابع حقوق بین‌الملل می‌تواند حمایت از انتظارات سرمایه‌گذار را توجیه کند؟ در راستای پاسخ به پرسش اصلی، پرسش‌های فرعی نیز مطرح می‌شوند: آیا کارکرد انتظارات مشروع در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری یکسان است؟ آیا با وجود فقدان اشاره صریحی در خصوص حمایت از انتظارات سرمایه‌گذار در متن معاهدات، می‌توان از راه تفسیر معاهده به حمایت از انتظارات مشروع حکم داد؟ آیا در صورت نبود معاهده حمایت از

1. International Thunderbird Gaming Corporation v. The United Mexican States, UNCITRAL, Arbitral Award, Jan 26, 2006, Separate Opinion of Professor Thomas Wälde, (hereinafter, Thunderbird ), para.37.

سرمایه‌گذاری نیز می‌توان حمایت از انتظارات مشروع را توجیه نمود؟ فرضیه این نوشتار در پاسخ به این پرسش‌ها این است که با توجه به اینکه متن معاهدات حمایت از سرمایه‌گذاری به حمایت از انتظارات سرمایه‌گذار اشاره صریحی ندارد، می‌توان با استفاده از قواعد تفسیر معاهده به حمایت از انتظارات حکم داد. همچنین با توجه به اینکه مفهوم حمایت از انتظارات مشروع، مفهومی است که از حقوق اداری داخلی وام گرفته شده است، اصول کلی حقوقی می‌تواند مبنایی برای حمایت از انتظارات مشروع سرمایه‌گذار خارجی باشد. به‌منظور پاسخگویی به این پرسش‌ها، ابتدا کارکرد انتظارات مشروع و سپس منابع حمایت از انتظارات مشروع در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری تشریح خواهد شد.

### کارکرد انتظارات مشروع در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری

در حوزه حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، اصطلاح «انتظارات مشروع» در متن هیچ‌یک از معاهدات سرمایه‌گذاری موجود تعریف نشده است. این اصل در تعداد وسیعی از داوری‌های سرمایه‌گذاری ادعا شده و رویه داوری تکامل یافته طی این سال‌ها ویژگی‌ها و شرایط آن را مقرر نموده است. با توجه به رویه داوری می‌توان گفت که انتظارات مشروع عنصر اصلی استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه است. دیوان داوری در قضیه «ای‌دی‌اف لیمیتد علیه رومانی»<sup>۱</sup> به‌صراحت به این امر اشاره دارد: «دیوان با دیدگاه تصریح شده از سوی سایر دیوان‌های داوری مبنی بر اینکه یکی از اجزای عمده استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه انتظارات مشروع و معقول طرفین است، موافق است (EDF Case, Para.216).

در همین راستا، برخی از نویسندگان (Klager, 2011, p.164) نیز استدلال کرده‌اند که حمایت از انتظارات مشروع سرمایه‌گذار یکی از عناصر استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه است.<sup>۲</sup> با وجود این، برخی حکم به استقلال این مفهوم می‌دهند و این‌گونه استدلال می‌کنند که چون این مفهوم در زمینه سلب مالکیت غیرمستقیم با مجموعه متفاوتی از کیفیات و الزامات نسبت به رفتار عادلانه و منصفانه عمل می‌نماید، نشان می‌دهد که این مفهوم، پتانسیل کافی را برای تطبیق با موقعیت‌های متفاوت دارد (Tudor, 2008, p.164).

شاید بتوان گفت دیوان در قضیه «ساندربرد» (Thunderbird Case) دقیق‌ترین تعریف از

1. EDF (Services) Limited v. Romania, ICSID Case No. ARB/05/13, Award, 2009, (hereinafter, *EDF*)  
 ۲. دیوان داوری «ال پاسو» نیز به مناقشه در خصوص انتظارات مشروع این‌گونه اشاره کرده است: «همیشه یک تمایز واضح بین سلب مالکیت غیرمستقیم و نقض انتظارات مشروع وجود ندارد.... طبق رویکرد این دیوان، نقض انتظار مشروع باید ترجیحاً به‌واسطه استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه مورد حمایت قرار گیرد»  
 El Paso Energy International Company v. The Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/03/15, Award of 31 October 2011, (hereinafter, *El Paso*)

مفهوم انتظارات مشروع را بیان کرده است: «مفهوم «انتظارات مشروع» در نفتا به موقعیتی مربوط می‌شود که رفتار یک طرف معاهده انتظارات معقول و موجهی را برای سرمایه‌گذار ایجاد می‌کند تا با اتکا بر رفتار یادشده عمل نماید، به نحوی که پایبند نبودن عضو نفتا به آن رفتار موجب تحمیل خساراتی بر سرمایه‌گذار شود» (Thunderbird Case, Para.147).

درواقع در توضیح مفهوم انتظارات مشروع در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری می‌توان گفت: آرای دیوان‌های داوری در خصوص رفتار عادلانه و منصفانه پیرامون تعدادی اصول شکل گرفته که یکی از آنها اصل ثبات است؛ با این توضیح که دولت‌های میزبان باید یک چارچوب تقنینی باثبات را از لحاظ تأثیر آن بر سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد و حفظ نمایند. زمانی که رفتار دولت میزبان طبق اصل ثبات نباشد، مفهوم انتظارات مشروع و نقض آن وارد حیطه بررسی دیوان داوری می‌شود.

انتظارات سرمایه‌گذار تقریباً در بررسی تمامی موضوعات مرتبط با حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری مؤثر است و دیوان‌های داوری به‌طور فزاینده‌ای بر آن به‌منظور تسهیل اعمال استانداردهای مبهم معاهدات سرمایه‌گذاری تکیه می‌کنند. در ادامه به حوزه‌های مختلفی که انتظارات مشروع در آنها از سوی داوران استناد شده است، اشاره می‌شود.

## ۱. کارکرد انتظارات مشروع در تعریف سرمایه‌گذاری

میزان ارزش اموال بستگی به مقررات و قواعد حقوقی دارد. به دلیل وجود این رابطه درونی میان حقوق مالی و هنجارهای حقوقی با ایجاد قواعد جدید به‌وسیله اکثریت در رژیم‌های دموکراتیک، همواره ارزش اموال میان گروه‌های مختلف بازتوزیع می‌شود. به‌منظور ایجاد محدودیتی بر قدرت اکثریت در ایجاد بازتوزیع‌های غیرارادی، قوانین اساسی معمولاً (اما نه همیشه) حقوق مالکیت را به‌عنوان حقوق اساسی تعریف می‌کنند (Montt, 2009, p.168). اما چگونه دولت می‌تواند هم حقوق مالکیت را تعریف نماید، هم به واسطه آن محدود شود؟ اینجاست که با «مسئله دور» روبرو می‌شویم. نخستین معاهده دوجانبه حمایت از سرمایه‌گذاری (معاهده دوجانبه بین آلمان و پاکستان ۱۹۵۹م)، یک دیدگاه جدید را نسبت به رفتار با «مال» (Property) در حقوق بین‌الملل از ابعاد مختلف مطرح نمود. مهم‌ترین آن، معطوف نمودن تمرکز حمایت بین‌المللی از «مال» به «سرمایه‌گذاری» بود. اما مفهوم سرمایه‌گذاری در معاهدات سرمایه‌گذاری بر مشکل «دور در تعریف حقوق مالکیت» (Problem of Circularity) غالب نمی‌آید. لذا «دیدگاه تعریف الگو» بهترین فهم از مفهوم سرمایه‌گذاری است. به این مفهوم که معاهدات مشخص می‌نمایند که چه «الگوهای» در برابر آنهاست که به سطح سرمایه‌گذاری نمی‌رسند، مثل حقوق برخاسته از روابط تجاری صرف - شایسته حمایت هستند.

اما در مرحله بعد، این حقوق داخلی است که تعیین می‌کند آیا منفعتی وجود دارد که مطابق معیار الگوی ارائه‌شده در معاهده باشد (Montt, 2009, p.243). لذا با وجود تعریف سرمایه‌گذاری در معاهدات حمایت از سرمایه‌گذاری، نیاز به رجوع به قانون داخلی همچنان به قوت خود باقی است. در واقع حقوق بین‌الملل حقوق مالی را که حمایت می‌شوند، طبقه‌بندی می‌کند؛ در حالی که حقوق داخلی جوانب ماهوی این حقوق را تعیین می‌نماید. جنبه‌های ماهوی شامل وجود و اعتبار حقوق مالی است. مراجع داوری در موارد متعددی در رسیدگی به اختلافات مبتنی بر معاهدات سرمایه‌گذاری، نقش حقوق داخلی را در ارزیابی وجود حق مالی شناسایی کرده‌اند (Sasson, 2010, p.81). برای مثال در قضیه «ویلیام نجل علیه جمهوری چک»<sup>۱</sup> نخستین پرسشی که دیوان باید به آن جواب می‌داد، این بود که آیا آقای نجل در جمهوری چک سرمایه‌گذاری کرده است یا خیر؟ پاسخ به این پرسش باید با توجه به تعریف سرمایه‌گذاری در معاهده سرمایه‌گذاری مربوطه صورت می‌گرفت (Nagel Case, Para.298). معاهده در تعریف سرمایه‌گذاری، به هر نوع مال متعلق به سرمایه‌گذار اشاره می‌کرد. برابر نظر دیوان برای اینکه ادعایی به‌عنوان «مال» پذیرفته شود، باید ارزش مالی داشته باشد. اما یک ادعا معمولاً زمانی ارزش مالی دارد که «مبنای مستحکمی داشته باشد یا حداقل یک انتظار مشروع مبنی بر تحقق آن در آینده وجود داشته باشد» (Nagel Case, Para.301). لذا پیوند میان حقوق داخلی و تعریف سرمایه‌گذاری در معاهده ایجاد می‌شود، زیرا عمده‌تاً قواعد حقوق داخلی است که تعیین می‌کند آیا ارزش مالی وجود دارد یا خیر (McLaachlan, 2010, p.183). مونیک ساسون در کتاب خود، با عنوان «قانون ماهوی در داوری معاهدات سرمایه‌گذاری» بحث انتظارات مشروع در تعریف حقوق مالی را این‌گونه مطرح می‌کند: «اگر مسئله مورد اختلاف در داوری سرمایه‌گذاری مربوط به حقوق قراردادی باشد، احتمالاً حقوق داخلی نسبت به زمانی که سرمایه‌گذاری از طریق اموال مادی صورت گرفته است مهم‌تر خواهد بود. پرسشی که مطرح می‌شود این است که چنانچه حقوق داخلی، قانون حاکم بر یک قرارداد دولتی باشد و تحت چنین قانونی یک حق قراردادی خاص وجود نداشته باشد، سرمایه‌گذار چگونه می‌تواند چنین حقی را ادعا نماید؟ سرمایه‌گذاران در چنین مواردی بر انتظاراتشان به‌عنوان یک منبع مستقل حقوق، علاوه بر حقوق برشمرده شده به‌وسیله قانون حاکم بر قرارداد، تکیه کرده‌اند. در چنین شرایطی چگونه دیوان می‌تواند طبقه‌بندی حقوق داخلی از حق مورد اختلاف را نادیده بگیرد و اتکا بر انتظارات سرمایه‌گذار را به‌عنوان منبع تعهدات دولت میزبان توجیه کند؟» (Sasson, 2010, p.79).

1. William Nagel v. the Czech Republic, SCC Case No. 049/2002, Final Award, 2003.

## ۲. کارکرد انتظارات مشروع در محاسبه غرامت

در راستای تعیین میزان غرامت، معیارهای متفاوتی به وسیله دیوان‌های داوری به کار گرفته شده که یکی از آنها محاسبه غرامت بر مبنای «انتظارات مشروع» است. در این زمینه می‌توان به رأی «امین اوایل»<sup>۱</sup> اشاره نمود که در آن به نظر دیوان، اصل حقوقی ناظر به غرامت را باید در قطعنامه شماره ۱۸۰۳ مجمع عمومی سازمان ملل (۱۹۶۲م) جستجو کرد. در این قطعنامه مقرر شده است که در صورت ملی کردن اموال خارجی‌ها باید «غرامت مناسب» پرداخت شود. اما اینکه غرامت مناسب چیست و چقدر است باید به اوضاع و احوال هر قضیه جداگانه رجوع کرد. دیوان می‌گوید مبلغ غرامت باید واقع‌بینانه باشد و این موضوع مهم با ارجاع به اوضاع و احوال خاص هر قضیه حاصل می‌شود. دیوان داوری با تمهید این مقدمه مبنای مهمی برای تعیین غرامت تعیین می‌کند و می‌گوید باید با توجه به انتظارات معقول طرفین آن چنان که در منظومه قرارداد منعکس شده است، تعیین گردد (محبی، ۱۳۸۵، ص ۴۳-۴۲). رأی امین اوایل بر آن است که ملی کردن مشروع قراردادی که شرط ثبات در آن مندرج باشد، مستلزم پرداخت غرامت مناسب خواهد بود و غرامت مناسب در این موارد شامل دو چیز است: ارزش تأسیسات، و انتظارات مشروع طرفین (موحد، ۱۳۸۴، ص ۱۳۰).

در رویه دیوان داوری ایران-امریکا هم به این ضابطه تعیین غرامت اشاره شده است. در دعوی کنسرسیوم، دیوان داوری<sup>۲</sup> با رد ادعای کنسرسیوم در مورد نقض قرارداد از سوی ایران یا سلب مالکیت به صورت غیرمشروع، معتقد است که مؤلفه‌های انتظارات مشروع است که چارچوب غرامت قابل پرداخت را ترسیم و تعیین می‌کند. دیوان داوری ایران-امریکا در دعوی «اموکو»<sup>۳</sup> نیز ضابطه انتظارات مشروع را اعمال کرد.

## ۳. کارکرد انتظارات مشروع در تعهد به عدم سلب مالکیت غیرمستقیم

سلب مالکیت غیرمستقیم موقعیتی است که در آن دولت میزبان صلاحیت‌های تقنینی و نظارتی خود را به کار می‌برد و قوانینی را تصویب می‌کند که منافع سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد؛ اما بدون تغییر عنوان حقوقی سرمایه‌گذار نسبت به اموالش یا کاهش کنترل وی نسبت به آنها. نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد این است که دراصل هر دولتی حق سلب مالکیت دارد و این یک حق حاکمیتی است که از منظر بین‌المللی پذیرفته شده است و معاهدات

1. The Government of the State of Kuwait v. The American Independent Oil Company (AMINOIL), Award, 1982.

2. Iran-US Claims Tribunal, Mobil Oil Iran, Inc. et al. v. Iran, 16 IRAN-U.S. C.T.R., at 3 et seq.

3. Iran-US Claims Tribunal, Amoco Int'l Finance Corp. v. Iran, 15 IRAN-U.S. C.T.R., at 189 et seq

سرمایه‌گذاری مانع اعمال این حق دولت‌ها نمی‌شوند، بلکه محدودیت‌هایی را بر اعمال این حق وارد می‌کنند. درواقع دولت‌ها در راستای حمایت از نفع عمومی ناگزیر از وضع قوانین و مقررات هستند، اما حمایت از نفع عمومی نباید ورود ضرر به سرمایه‌گذاران خارجی را توجیه کند. لذا باید بین حق قانون‌گذاری دولت میزبان و حقوق سرمایه‌گذار خارجی تعادل و توازن ایجاد شود و این چالشی است که دیوان داوری در بررسی ادعای سلب مالکیت غیرمستقیم با آن روبرو است.

در خصوص بررسی ادعای سلب مالکیت غیرمستقیم از سوی دیوان داوری دو مرحله باید تفکیک شود: نخست، مرحله تعیین وقوع یا عدم وقوع سلب مالکیت غیرمستقیم و دوم، مرحله تعیین قانونی یا غیرقانونی بودن سلب مالکیت غیرمستقیم. به‌منظور فهم نقش انتظارات مشروع سرمایه‌گذار در ادعای سلب مالکیت غیرمستقیم، به تشریح هریک از این مراحل و جایگاه انتظارات سرمایه‌گذار در آن پرداخته خواهد شد.

### ۳.۱. مرحله تعیین وقوع یا عدم وقوع سلب مالکیت غیرمستقیم

نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که در خصوص وقوع سلب مالکیت غیرمستقیم، معیار و ملاک مشخص و واحدی وجود ندارد و دیوان داوری با توجه به شرط ناظر به تعهد عدم سلب مالکیت مندرج در موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری و امور موضوعی مربوط به آن پرونده در خصوص این موضوع تصمیم می‌گیرد. اما در کنار عواملی همچون ماهیت و نوع فعل دولت میزبان و مدت و دوام آن، یکی از معیارهایی که به‌منظور تعیین وقوع سلب مالکیت غیرمستقیم مورد توجه دیوان‌های داوری قرار گرفته است، تأثیر اقتصادی فعل دولت میزبان است؛ با این توضیح که محرومیت اساسی یا کلی سرمایه‌گذار از منافع سرمایه‌گذاری‌اش، یکی از عوامل اثبات ادعای سلب مالکیت غیرمستقیم است. اما مسئله دارای اهمیت این است که محرومیت کلی یا اساسی نسبت به چه چیزی باید صورت گیرد تا حکم به سلب مالکیت غیرمستقیم داده شود؟ از زمان صدور رأی «متال کلد علیه مکزیک»<sup>۱</sup> که دیوان داوری حکم نمود: «به‌موجب نفتا، سلب مالکیت تنها شامل تصرف آشکار، عامدانه و عالمانه مال نیست، بلکه همچنین مداخله ناآشکار یا ضمنی در استفاده از مال را نیز شامل می‌شود که نتیجه آن محرومیت مالک، به‌طور کلی یا جزئی از کاربرد مال یا منافع اقتصادی مورد انتظار است...» (Metalclad Case, Para.103) یکی از گزینه‌هایی که در پاسخ به این پرسش مد نظر برخی دیوان‌های داوری قرار گرفته، این است که آیا زمانی که محرومیت کلی یا اساسی از «منافع اقتصادی مورد انتظار»

1. Metalclad Corporation v. The United Mexican States, ICSID Case No. ARB(AF)/97/1, Award, 2003

صورت می‌گیرد، می‌توان به سلب مالکیت غیرمستقیم حکم داد؟<sup>۱</sup> دیوان‌های بسیاری به مفهوم انتظارات مشروع در کنار سایر عواملی که در تصمیم‌گیری نسبت به وقوع سلب مالکیت غیرمستقیم مؤثر هستند، اشاره کرده‌اند. برای مثال، دیوان در قضیه «ال‌جی‌اندای انرجی کورپوریشن علیه آرژانتین»<sup>۲</sup> اظهار می‌دارد: «در ارزیابی درجهٔ مداخلهٔ اقدام دولت در حق مالکیت سرمایه‌گذار، باید تأثیر اقتصادی آن بررسی شود و برای ارزیابی تأثیر اقتصادی فعل دولت دو عامل باید مد نظر قرار گیرد: تأثیر فعل دولتی بر انتظارات معقول سرمایه‌گذار و میزان دوام آن» (LG&E Case, Para.190).

### ۲.۳. مرحلهٔ تعیین قانونی یا غیرقانونی بودن سلب مالکیت غیرمستقیم

پس از اینکه دیوان داوری به این نتیجه رسید که سلب مالکیت غیرمستقیم رخ داده است، پرسشی که باید به آن پاسخ داده شود این است که آیا سلب مالکیت قانونی بوده است یا خیر؟ معیارهایی که در این زمینه به آن‌ها استناد شده، عبارت است از: فعل دولت باید در جهت نفع عمومی باشد؛ نباید تبعیض‌آمیز باشد؛ طبق تشریفات صحیح قانونی انجام شود (Nikiema, 2012, p.3).

اما سرمایه‌گذاری که با بطلان سرمایه‌گذاری اش طبق قانون دولت میزبان یا ادعای نفع عمومی مواجه شده است، ممکن است مدعی شود که اقدام محروم‌کننده، غیرقانونی یا خودسرانه بوده است؛ زیرا انتظارات مشروع و معقول سرمایه‌گذار را (که با توجه به چارچوب حقوقی موجود در زمان ایجاد سرمایه‌گذاری شکل گرفته است) نقض کرده است. در اینجاست که دیوان داوری باید به این پرسش پاسخ دهد که آیا انتظارات سرمایه‌گذار معقول و مشروع است؟ آیا اتکای سرمایه‌گذار بر انتظارات خود قابل توجیه است؟ یکی از عوامل تعیین‌کننده در پاسخ به این پرسش با توجه به رویهٔ داوری، وجود یک تعهد خاص از جانب دولت میزبان در برابر سرمایه‌گذار خارجی است.

۱. اما متال‌کلد در اهمیت بخشیدن به مفهوم انتظارات مشروع در بررسی ادعای سلب مالکیت غیرمستقیم تنها نبود. برای مثال، دیوان تگزاکو در سال ۱۹۷۹م حکم به مصادره را، اگرچه نه صریحاً، بر مبنای نقض انتظارات مشروع سرمایه‌گذار به‌وسیلهٔ دولت قرار داد.

2. LG&E Energy Corp., LG&E Capital Corp., and LG&E International, Inc. v. Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/02/1, Decision on Liability, 3 October 2006, (hereinafter, LG&E).



#### ۴. کارکرد انتظارات مشروع در تعهد به رعایت استاندارد رفتار عادلانه و

##### منصفانه

تعهد به رفتار عادلانه و منصفانه در کنار دیگر استانداردها اغلب به‌عنوان بخشی از حمایتی که کشورهای میزبان باید نسبت به سرمایه‌گذاری مبذول دارند، تعیین شده است (Yannaca-Small, 2004, p.2). رفتار عادلانه و منصفانه استنادی مطلق است که سنجش آن مستقل از رفتار دولت میزبان با اتباع خود یا کشور ثالث صورت می‌گیرد (Kreindler, 2006, p.1).

با وجود اهمیت این استاندارد، تعریف روشنی از آن در معاهدات وجود ندارد و رویه داوری است که به این استاندارد مضمون بخشیده است، درعین‌حال، تصویر واضحی از محدودیت‌هایی که این استاندارد بر اقدامات دولتی مؤثر بر سرمایه‌گذاری تحمیل می‌نماید، از سوی دیوان‌های داوری ارائه نشده است.

دعای مربوط به این استاندارد در دو گروه وسیع جای می‌گیرند؛ دعاوی ناظر به رفتار دادگاه‌های دولت میزبان با سرمایه‌گذار، و مهم‌تر از آن دعاوی ناظر به تصمیم‌گیری‌های اداری. در دعاوی اخیر دیوان‌های داوری، رفتار دولت را با ارجاع به دو گروه از عوامل ارزیابی می‌نمایند: انتظارات مشروع، و رعایت تشریفات صحیح و عادلانه.

حمایت از انتظارات مشروع بر مبنای رفتار عادلانه و منصفانه از سوی دیوان‌های داوری از دو مسیر جداگانه به شرح زیر تبیین شده است:

#### ۴.۱. انتظار رفتار عادلانه و منصفانه

برخی دیوان‌های داوری اعلام کرده‌اند که دکتترین انتظارات مشروع می‌تواند به‌طور کلی مبنایی برای تعیین حوزه استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه فراهم سازد. برای مثال، دیوان در قضیه «پلاما علیه بلغارستان»<sup>۱</sup> دکتترین انتظارات مشروع را به‌کار برد تا استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه را تشریح نماید. دیوان بیان کرد که سرمایه‌گذاران انتظار مشروعی نسبت به حسن‌نیت، رعایت تشریفات صحیح و عادلانه، عدم تبعیض، چارچوب سرمایه‌گذاری با ثبات و شفافیت داشته‌اند (Plama Case, Para.203).

#### ۴.۲. انتظار ثبات چارچوب حقوقی و تجاری دولت میزبان

در این گروه از قضاها، نگرانی عمده مرجع رسیدگی، ثبات چارچوب حقوقی و تجاری است و

1. Plama Consortium Limited v. Republic of Bulgaria, ICSID Case No. ARB/03/24, Award, 2008

عامل تعیین‌کننده، رفتار صورت‌گرفته در برابر سرمایه‌گذار با ارجاع به قانون دولت میزبان در زمان سرمایه‌گذاری به‌علاوه هر تضمین خاصی است که سرمایه‌گذار در زمان سرمایه‌گذاری دریافت نموده و با اتکا به آن تصمیم به سرمایه‌گذاری گرفته است. بهترین تعریف از دکترین انتظارات مشروع این است که گفته شود دکترین به موقعیتی اشاره می‌کند که اصل امنیت به‌واسطه رفتار متناقض دولت میزبان با وعده‌ها و تضامین قبلی‌اش که سرمایه‌گذار بر آن تکیه نموده است، نقض می‌شود. نقش مناسبی که باید به‌وسیله مفهوم انتظارات مشروع بازی شود، آن است که به‌عنوان عنصر این الزام رفتار عادلانه و منصفانه که باید «منصفانه» عمل نمود، در نظر گرفته شود (Fietta, 2006, p.397).

### منابع حمایت از انتظارات مشروع در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری

دعاوی و مطالبات ناشی از نُرْم‌های حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری در صورتی به‌عنوان اصول حقوق بین‌الملل پذیرفته می‌شوند که بر مبنای یکی از منابع پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل عمومی باشند. این منابع در ماده ۳۸(۲) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری بیان شده‌اند (Sornarajah, 2010, p.79). مطالبه حمایت از انتظارات مشروع نیز از این قاعده مستثنا نیست و برای توجیه چنین حمایتی باید به یکی از این منابع (شامل معاهده، عرف، اصول کلی حقوقی، رویه داور و دکترین حقوقی) تکیه کرد. لذا در ادامه به بررسی امکان حمایت از انتظارات سرمایه‌گذار بر مبنای هریک از این منابع پرداخته می‌شود.

#### ۱. معاهده

نظر به برجستگی مفهوم «انتظارات مشروع» در رویه داور سرمایه‌گذاری، به‌آسانی می‌توان نبود این اصطلاح در متن معاهدات سرمایه‌گذاری را نادیده گرفت. تنها معاهدات نمونه سرمایه‌گذاری ایالات متحده و کانادا به عبارت «انتظارات مورد حمایت سرمایه‌گذاری» به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در تعیین وقوع سلب مالکیت غیرمستقیم اشاره کرده‌اند. اما دیوان‌های داور در پرتو تفسیر استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه حمایت از انتظارات را مقرر نموده‌اند. با وجود کثرت اعمال رفتار عادلانه و منصفانه و اهمیت آن، با عدم وضوح هسته هنجاری این استاندارد مواجه‌ایم. لذا آنچه در این قسمت بررسی می‌شود، این است که بر چه مبنایی می‌توان شمول استاندارد نسبت به حمایت از انتظارات مشروع را توجیه کرد؟ یکی از مسائلی که همواره در خصوص تفسیر این استاندارد مطرح بوده و به تفاسیر و نظریات متعددی از سوی دیوان‌های داور منتهی شده این است که آیا این استاندارد یک «استاندارد معاهداتی مستقل» است یا

بازتابی از «استاندارد رفتار حداقلی حقوق بین‌الملل»؟ پرسشی که مطرح می‌شود این است که در صورت انتخاب هریک از این دیدگاه‌ها، شمول آن نسبت به انتظارات مشروع چگونه توجیه می‌شود؟

### ۱.۱. استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه به‌عنوان یک استاندارد معاهداتی مستقل

طبق این دیدگاه، استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه باید مطابق قواعد تفسیر معاهده که به‌وسیله کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات مقرر شده است، تفسیر شود. این کنوانسیون در ماده ۳۱ مقرر می‌دارد: «یک معاهده باید مطابق با حسن‌نیت و منطبق با معنای متداولی که باید به اصطلاحات آن در سیاق عبارت و در پرتو موضوع و هدف معاهده داده شود، تفسیر گردد». در ادامه مقاله به بررسی هریک از اجزای این ماده در راستای تفسیر استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه پرداخته می‌شود.

#### *الف) تفسیر معاهده مطابق با حسن‌نیت*

در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری حمایت از انتظارات مشروع اساساً بر مبنای حسن‌نیت یا به‌عنوان جلوه‌ای از آن و نتیجه فرعی آن در نظر گرفته می‌شود، اما مضمون این استاندارد حمایتی بستگی به موقعیت خاصی دارد که در آن اعمال می‌شود. استفن شیل پس از برشمردن اجزای استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه بیان می‌کند که الزام حسن‌نیت پیوند عمده بین رفتار تضمین‌شده به‌واسطه استاندارد و حمایت از انتظارات مشروع است (Schill, 2010, p.421). برخی آرای داوری نیز این پیوند را میان اصل حسن‌نیت و رعایت انتظارات مشروع برقرار کرده‌اند. برای مثال، رأی «تکمد» به‌صراحت حمایت از انتظارات سرمایه‌گذار را به اصل حسن‌نیت موجود در حقوق بین‌الملل گره می‌زند.<sup>۱</sup> همچنین در رأی «ساندربرد» دیوان به رویه قابل توجه داوری سرمایه‌گذاری و اصل حسن‌نیت حقوق بین‌الملل عرفی به‌عنوان مبانی اشاره می‌کند. سایر دیوان‌های داوری سرمایه‌گذاری در زمان تفسیر و اعمال استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه، به مفهوم حسن‌نیت متوسل شده‌اند (Thunderbird Case, Para.147).

#### *ب) تفسیر معاهده مطابق مفهوم متفاهم عرفی اصطلاحات*

انصاف، در مورد رفتار عادلانه و منصفانه، به «منصفانه بودن» اشاره می‌کند. این کلمه از اصطلاح لاتین «aequus» به مفهوم تقسیم برابر نشئت می‌گیرد. در زمینه سرمایه‌گذاری، رفتار منصفانه

1. Técnicas Medioambientales Tecmed, S.A. v. The United Mexican States, ICSID Case No. ARB (AF)/00/2, Award, 2003, para.154.

دلالت بر این دارد که هریک از طرفین ذی‌نفع آنچه را که باید به‌طور مشروع یا قانونی دارا باشد، دریافت نماید. برابر این برداشت از «منصفانه بودن»، رفتار عادلانه و منصفانه می‌تواند دارای کارکرد اصلاحی در نظر گرفته شود. کارکرد اصلاحی استاندارد در واژه «منصفانه» بیشتر از واژه «عادلانه» مشهود است. در راستای مدیریت منصفانه تمام منافع موجود، قاضی دارای قدرت توازن مهمی است. طبق این برداشت، منافع طرفین درگیر در فعالیت سرمایه‌گذاری باید به شکل منصفانه مدیریت شود. این کارکرد اصلاحی رفتار عادلانه و منصفانه از خلال مفهوم انتظارات مشروع بیشتر نشان داده می‌شود. «عادلانه» است که انتظارات هریک از طرفین لحاظ شود، اما منصفانه است که آنچه در انتها به هریک از طرفین داده می‌شود، نتیجه کفایت باشد نه برابری.

#### (ج) تفسیر معاهده با توجه به هدف و مقصود آن

برخی دیوان‌های داوری از هدف معاهده برای تفسیر آن کمک گرفته‌اند. هدف معاهده می‌تواند از عنوان و مقدمه آن و همچنین سایر مقررات مربوط به معاهده استنباط شود. این شیوه بسیاری از دیوان‌های داوری را به این سمت سوق داده است که هدف معاهده را ایجاد سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد یک چارچوب بایات برای سرمایه‌گذاری در نظر بگیرند (Marshall, 2007, p.9). برای مثال در قضیه «جوزف کارلس لمیر علیه اوکراین»<sup>۱</sup> دیوان این‌گونه اشاره می‌نماید: «عبارات به‌کار برده شده در معاهدات باید با توجه به زمینه آن‌ها تفسیر شود. زمینه ماده ۲(۳) باید در مقدمه معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری یافت شود که در آن طرفین بیان می‌دارند: «رفتار عادلانه و منصفانه با سرمایه‌گذاری مطلوب و خوشایند است به این دلیل که یک چارچوب بایات برای سرمایه‌گذاری حفظ شود...». لذا استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه ارتباط نزدیکی با مفهوم انتظارات مشروع دارد و افعال یا ترک افعال اوکراین، اگر انتظارات مشروع و معقولی را که سرمایه‌گذار در زمانی که تصمیم به سرمایه‌گذاری گرفته و بر آن‌ها اتکا کرده است، نقض نماید، ناقض رفتار عادلانه و منصفانه است (Joseph Case, Para.264).

#### ۱. ۲. استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه به‌عنوان بازتابی از استاندارد رفتار حداقلی

##### بین‌المللی

رویکرد دیگری که نسبت به رفتار عادلانه و منصفانه وجود دارد این است که این استاندارد

1. Joseph Charles Lemire v. Ukraine, ICSID Case No. ARB/06/18, Decision on Jurisdiction and Liability, 14 January 2010.

بخشی از استاندارد رفتار حداقلی حقوق بین‌الملل عرفی است. استاندارد رفتار حداقلی بین‌المللی یک هنجار حقوق عرفی راجع به رفتار دولت میزبان با بیگانگان است که یک مجموعه حداقلی از اصولی را که دولت‌ها باید صرف نظر از مقررات و رویه‌های داخلی‌شان در خصوص اتباع خارجی و اموال آن‌ها رعایت نمایند، مقرر می‌دارد (Tudor, 2008, p.61).

یکی از روش‌هایی که به‌منظور تعیین مضمون هنجاری استاندارد به‌عنوان بازتابی از استاندارد رفتار حداقلی بین‌المللی مطرح شده، تحت قاعده درآوردن رویه داورى موجود در خصوص تفسیر و اعمال استاندارد است؛ با این توضیح که استاندارد می‌تواند به‌عنوان تجسم مفهوم حاکمیت قانون در نظر گرفته شود (Schill, 2010, p.158). کارکرد حاکمیت قانون، اعمال کنترل حقوقی نسبت به قوای عمومی است تا حقوق اشخاص حمایت شود و رفتار دولت قابل پیش‌بینی باشد. بر پایه این دیدگاه، نگاهی به آرای که تا به امروز در زمینه تفسیر و اعمال استاندارد صادر شده‌اند نشان می‌دهد که این آرا به‌طور ضمنی الزام‌کننده رفتاری هستند که مطابق مفهوم حاکمیت قانون است. لذا مفهوم قانونی بودن، اصلی کلی است که استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه متکی به آن است. مفهوم حاکمیت قانون یک بُعد ماهوی و یک بُعد شکلی دارد. بُعد شکلی مربوط به روش‌هایی است که از طریق آن دولت قانون را نسبت به یک شخص اعمال می‌کند و تا میزان زیادی تحت حکومت اصل رعایت تشریفات قانونی است. لذا رفتار عادلانه و منصفانه، رفتار بر اساس بُعد شکلی حاکمیت قانون را الزام می‌نماید. چهار اصل معقول بودن، ثبات، عدم تبعیض و شفافیت، هسته بُعد ماهوی حاکمیت قانون هستند. آرای داورى تفسیرکننده رفتار عادلانه و منصفانه هماهنگ با این اصول است (Vandevelde, 2010, p.49-52).

## ۲. عرف

قواعد عرفی یکی از منابع اولیه حقوق بین‌الملل است، زیرا بر اجماع حقوقی در جامعه بین‌المللی مبنی بر الزام‌آور بودن آن‌ها دلالت دارد (Sornarajah, 2010, p.82). پیشنهاد دیگری که برای قاعده‌مند نمودن مفهوم حمایت از انتظارات مشروع مطرح شده، این است که به‌عنوان بازتابی از حقوق بین‌الملل عرفی در نظر گرفته شود (Nowak, 2012, p.6). دو تقریر از این رویکرد می‌تواند بیان شود که به توضیح آن‌ها پرداخته خواهد شد:

### ۲.۱. اصل انتظارات مشروع در روابط بین دولت‌ها

مفهوم حمایت از انتظارات مشروع در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری می‌تواند به‌عنوان جلوه‌ای از اصل انتظارات مشروع موجود در حقوق بین‌الملل عرفی در نظر گرفته شود. در توضیح این

اصل می‌توان گفت دولت‌ها تنها به قواعدی از حقوق بین‌الملل ملزم هستند که نسبت به آن رضایت داده باشند. اگرچه دولت‌ها به واسطه امضا یا تصویب به صراحت نسبت به قواعد معاهداتی رضایت می‌دهند، در خصوص حقوق بین‌الملل عرفی این‌گونه نیست و رضایت دولت‌ها به واسطه عدم مخالفت استنباط می‌شود. به نظر می‌رسد که همه دولت‌ها این‌گونه در نظر می‌گیرند که مخالفت نکردن یک دولت با یک قاعده عرفی می‌تواند به حقوق و تعهداتی بینجامد که پتانسیل آن را دارد که همه دولت‌ها را به نوعی تحت تأثیر قرار دهد؛ چه به‌عنوان موضوع تعهدات متقابل و چه به‌عنوان دارنده حقوق متقابل. این درک و برداشت مشترک بیش از آنکه بر مبنای رضایت باشد، بر مبنای انتظارات مشروع - یعنی انتظاراتی که از نظر حقوقی موجه باشند - نسبت به ارتباط و تأثیر حقوقی نوع خاصی از رفتار است. لذا این عدم مخالفت در صورتی که بر مبنای اصل انتظارات مشروع در نظر گرفته شود، به‌نحو دقیق‌تری می‌تواند تشریح شود (Byers, 1999, p.106).

اما ارجاع به اصل انتظارات مشروع حقوق بین‌الملل عرفی در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری مسئله‌ساز است. این اصل به انتظارات مشروع دولت‌ها و روابط بین‌دولتی اشاره دارد. حقوق بین‌الملل عمومی حاکم بر روابط میان دولت‌هاست و نمی‌تواند روابط بین دولت‌ها و اشخاص را خطاب قرار دهد. این اصل از روابط بین طرفین برابر نشئت گرفته است و لذا باید با احتیاط و دقت در نظر گرفته شود (Nowak, 2012, p.7).

## ۲.۲. استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه به‌عنوان یک استاندارد مستقل حقوق بین‌الملل

### عرفی

طرف‌داران این دیدگاه در توجیه مبنای عرفی حمایت از انتظارات مشروع در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، آن را به تعداد فزاینده آرای داوری سرمایه‌گذاری که حمایت از انتظارات مشروع را مقرر نموده است، ارتباط می‌دهند. این رویکرد وابسته به این دیدگاه است که بیان می‌دارد استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه می‌تواند به‌عنوان یک استاندارد حقوق بین‌الملل عرفی در نظر گرفته شود (Nowak, 2012, p.6). برابر این دیدگاه، استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه یک وصف و ماهیت عرفی کسب نموده است. طرف‌داران چنین دیدگاهی به ارجاع به رفتار عادلانه و منصفانه در بیشتر معاهدات دوجانبه حمایت از سرمایه‌گذاری و نیز برخی از اسناد الزام‌آور و غیرالزام‌آور منطقه‌ای و چندجانبه اشاره می‌کنند که این استاندارد را مقرر نموده‌اند. به اعتقاد این گروه، بیشتر اسناد بین‌المللی متضمن قواعد قابل اعمال نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی به طریقی به رفتار عادلانه و منصفانه اشاره می‌کنند. رویه معاهداتی روبه‌رشد در خصوص استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه، به ایجاد یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی کمک کرده است. اما باید

گفت هنوز اجماع صریحی مبنی بر ویژگی عرفی رفتار عادلانه و منصفانه وجود ندارد. افزون بر این، رویه داور در خصوص حمایت از انتظارات مشروع، یکنواخت و ثابت نیست. حتی اگر رویه یکسان تر و یکنواخت تر شود، سؤال برانگیز خواهد بود که آیا حتی مفصل‌ترین رویه داور که روشن‌کننده اعمال اصلی باشد که در هیچ معاهده سرمایه‌گذاری به آن اشاره نشده است، می‌تواند هم به‌عنوان مدرک رویه دولتی و هم مدرک اعتقاد و باور نسبت به الزام‌آور بودن آن در نظر گرفته شود؟

### ۳. اصول کلی حقوقی

اصل عبارت است از ایده اصلی که مجموعه مواد قانونی پیرامون آن ارائه می‌شود؛ به عبارت دیگر، روح قانون یا برآیند نظریات حقوق دانان یا نظم خاصی است که بر اساس آن، قواعد، حقوق را تشکیل می‌دهد. در زبان فلاسفه، اصول حقوقی، مجموعه ارزش‌های حاکم بر نظام حقوقی است. اصول، پایه‌های ساختارهای حقوقی را تشکیل می‌دهد (بولانژه، ۱۳۷۶، ص ۷۳). حمایت از انتظارات مشروع به‌عنوان یک اصل کلی حقوقی، توجیهی است که به‌وسیله نویسندگان بسیاری در این راستا مطرح شده است. طبق این دیدگاه، ارجاع به اصول کلی حقوقی تنها راه توجیه حمایت از انتظارات مشروع است که نشان می‌دهد استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه متضمن حمایت از انتظارات مشروع است (Potesta, 2011, p.92). این درحالی است که برخی نویسندگان از این رویکرد انتقاد می‌کنند. برابر این دیدگاه، بررسی اعمال انتظارات مشروع به‌عنوان یک اصل کلی حقوقی نشان می‌دهد که از منطبق واحد و مشخصی پیروی نمی‌کند؛ با این توضیح که این اصل فراخواننده سایر عناصر استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه همچون ثبات، شفافیت، قابلیت پیش‌بینی، تناسب و عدم تبعیض است (Monebhurrun, 2015, p.551-561).

از آنجا که قواعد حقوق داخلی شامل حقوق عمومی و خصوصی، بنیاد تجربی محکمی برای تشخیص اصول کلی حقوقی است، به بررسی حمایت از انتظارات در سیستم‌های حقوقی داخلی پرداخته می‌شود و سپس مبنای کاربرد اصول کلی حقوقی در حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی مطالعه خواهد شد.

#### ۳.۱. حمایت از انتظارات خواهان به‌عنوان یک اصل کلی حقوقی در سیستم‌های

##### حقوق داخلی

نخستین اصل حقوق عمومی داخلی که معادل آن در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری دیده

می‌شود، «اصل انتظارات مشروع» است. زمانی که شما انتظار مشروعی دارید که یک مقام عمومی صلاح‌دید خود را به روش مشخصی اعمال نماید، ممکن است اگر آن انتظار عقیم ماند، شما استحقاق حمایت قانونی داشته باشید (Perry, 2012, p.2). در یک انتظار مشروع، همواره انتظار این است که مقام عمومی اختیار‌گزینی خود را به روشی معین اعمال کند؛ چه با دنبال کردن یک رویه مشخص (انتظار شکلی) و چه با ایجاد یک تصمیم ماهوی معین (انتظار ماهوی) (Perry, 2012, p.4).

در حقوق خصوصی داخلی هم، دادگاه‌ها و مفسران اغلب اظهار می‌دارند که حقوق قراردادهای از انتظارات متعارف طرفین قراردادی حمایت می‌کند یا حداقل باید حمایت کند. به‌تازگی نویسندگانی استدلال نموده‌اند که حمایت از انتظارات متعارف مبنا و اساس کامن‌لا در خصوص قراردادها است. وی در راستای تقویت موضع خود در مقاله دیگری می‌نویسد: «در یک سطح پایه‌ای و اساسی، هدف و کارکرد حقوق قراردادهای حمایت از انتظارات متعارف طرفین هر قرارداد است» (Smith, 2009, p.23).

پس از بررسی روش‌های حمایت سیستم‌های حقوق ملی از انتظارات خواهان، می‌توان به این نتیجه رسید که میزان نسبتاً کمی وجوه مشترک بین آن‌ها در این زمینه وجود دارد. اگرچه تفاوت‌هایی از یک سیستم حقوقی به سیستم حقوقی دیگر وجود دارد، این موضوع که یک اصل به شکل متفاوتی اعمال می‌شود نباید لزوماً مانع پذیرش آن به‌عنوان یک اصل کلی حقوقی گردد.

### ۳.۲. اصول کلی حقوقی در حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری

در صورت پذیرش حمایت از انتظارات مشروع به‌عنوان یک اصل کلی حقوقی، چگونه می‌توان این اصل را در حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری به‌کار بست؟ از آنجایی که معاهدات و عرف‌ها از خلال تعامل دولت‌ها ایجاد می‌شوند، اصول کلی حقوقی به‌ویژه در حوزه‌هایی از حقوق که دربرگیرنده بازیگرانی به‌غیر از دولت‌ها است همچون روابط سرمایه‌گذاری مفیدند. کارکردهای اصول کلی حقوقی در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی را می‌توان به دو قسمت عمده بخش کرد:

الف) اصول کلی حقوقی به‌عنوان بخشی از قانون حاکم. اصول کلی حقوقی در زمره قانون حاکم بر تعدادی از معاهدات چندجانبه آمده است. ارجاع به «قواعد حقوق بین‌الملل که امکان اعمال داشته باشد»، در ماده ۴۲ کنوانسیون حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع دیگر دولت‌ها (ایکسید) باید دربرگیرنده همه منابع حقوق بین‌الملل باشد که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به آن اشاره شده است. معاهدات دوجانبه



حمایت از سرمایه‌گذاری معمولاً حاوی شرط قانون حاکم نیستند و زمانی هم که حاوی چنین شرطی هستند معمولاً فرمولی در مورد قانون حاکم بر تفسیر و اجرای معاهده پذیرفته می‌شود که در کنار حقوق داخلی، به حقوق بین‌الملل هم ارجاع می‌نماید که به‌صراحت شامل اصول کلی حقوقی است. چنانچه دکترین انتظارات مشروع به‌عنوان یک اصل کلی حقوقی مورد پذیرش قرار گیرد، حتی در صورت نبود معاهده حمایت از سرمایه‌گذاری، در صورتی که قانون حاکم بر قرارداد سرمایه‌گذاری متضمن حقوق بین‌الملل باشد، باید از انتظارات مشروع سرمایه‌گذار خارجی حمایت شود.

ب) اصول کلی حقوقی به‌عنوان راهنمای تفسیر استانداردهای موسع معاهدات سرمایه‌گذاری. اصول کلی حقوقی می‌تواند در تفسیر و اعمال استانداردهای موسع موجود در معاهدات سرمایه‌گذاری به‌کار آید. بارزترین نمونه این استانداردها، استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه است که می‌تواند به‌عنوان مرجع کامل بهره‌وری از چنین اصولی در نظر گرفته شود. اصطلاح رفتار عادلانه و منصفانه بیانگر اصول کلی حقوقی مشترک بین ملل متمدن است. پتانسیل مفاهیم حقوق داخلی که دارای پایگاه اصول کلی حقوقی شکل‌دهنده مضمون استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه است در نمونه‌های معاهداتی مهمی شناخته شده است.<sup>۱</sup> از آنجایی که مفهوم حمایت از انتظارات مشروع در همه سیستم‌های حقوقی، یک مفهوم ساخته قضاات است، توسعه آن بیشتر نتیجه نیاز به تعیین محتوای استانداردهای معاهداتی است که به‌نحو مبهمی قاعده‌مند شده‌اند.

#### ۴. رویه داوری بین‌المللی

برای اینکه مفهوم انتظارات مشروع سرمایه‌گذار درست درک شود، به‌طور قطع باید میان رویه نفتا از یک سو و رویه سایر دیوان‌های داوری تفکیک قائل شد؛ چراکه برداشت نفتا و دیوان‌های داوری مبتنی بر این معاهده از این مفهوم با برداشت دیوان‌های خارج از نفتا کاملاً متفاوت است. بیشتر دیوان‌های داوری که بر مبنای نفتا رأی صادر نموده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که رعایت نکردن انتظارات مشروع سرمایه‌گذار به‌وسیله دولت میزبان ناقض رفتار عادلانه و منصفانه

۱. معاهده نمونه حمایت از سرمایه‌گذاری ۲۰۱۲م ایالات متحده در ماده ۵(۲)(a) رفتار عادلانه و منصفانه را این‌گونه تعریف می‌کند: «رفتار عادلانه و منصفانه متضمن تعهد عدم انکار عدالت در پروسه‌های رسیدگی جزایی، حقوقی و اداری طبق اصل رعایت تشریفات قانونی سیستم‌های حقوقی عمده دنیا است». موافقت‌نامه تجارت آزاد میان چین و نیوزیلند (۲۰۰۸م) در ماده ۱۴۳ مقرر می‌نماید: «رفتار عادلانه و منصفانه متضمن تعهد تضمین عدم استنکاف از احقاق حق سرمایه‌گذاران با توجه به اصول کلی حقوقی و عدم رفتار ناعادلانه و غیرمنصفانه در هر اقدام اداری یا حقوقی مؤثر بر سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذار است».

نیست، بلکه عاملی است که در تعیین نقض یا عدم نقض دیگر مؤلفه‌های این استاندارد باید در نظر گرفته شود (Dumberry, 2014, p.72).

این درحالی است که بر لزوم حمایت از انتظارات مشروع سرمایه‌گذار به‌عنوان یکی از عناصر رفتار عادلانه و منصفانه در بسیاری از آرای داوری سرمایه‌گذاری تأکید شده است. این موضوع به شکل صریح نخستین بار در قضیه «تکمید» در سال ۲۰۰۳ م طرح‌ریزی شد.<sup>۱</sup> دیوان بیان داشت که استاندارد، رفتاری را الزام می‌نماید که «انتظارات اساسی سرمایه‌گذار خارجی برای ایجاد سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار ندهد» (Tecmed Case, Para.154). این رأی همانند رأی «متال کلد» به‌طور عمده انتظارات سرمایه‌گذار و استاندارد را به‌واسطه الزامات شفافیت و ثبات حقوقی پیوند می‌دهد: «سرمایه‌گذار خارجی انتظار دارد که دولت میزبان طبق یک رویه ثابت، به دور از هر گونه ابهام و به‌طور کلی به صورت شفاف در روابطش با سرمایه‌گذار خارجی رفتار نماید، به‌نحوی که سرمایه‌گذار بتواند پیشاپیش همه قواعد و مقرراتی را که بر سرمایه‌گذاری او حاکم خواهد بود بداند... تا بتواند برای سرمایه‌گذاری‌اش برنامه‌ریزی کند و خود را با چنین مقرراتی تطبیق دهد» (Tecmed Case, Para.154). در قضیه «بیواتر» به تبعیت از رأی «تکمید» به انتظارات اساسی در نظر گرفته‌شده به‌وسیله سرمایه‌گذار اشاره شده است. در این قضیه دیوان بیان می‌دارد: «استاندارد کلی رفتار عادلانه و منصفانه... از اجزای مختلفی تشکیل شده، که در داوری‌های قبلی در پاسخ به موقعیت‌های خاص ایجاد شده و توسعه یافته است، از جمله می‌توان به حمایت از انتظارات مشروع سرمایه‌گذار اشاره کرد».<sup>۲</sup> دیوان در قضیه «پی‌اس‌ای‌جی گلوبال علیه ترکیه»<sup>۳</sup> اهمیت انتظارات مشروع سرمایه‌گذار را یادآور شد: «استاندارد، رفتاری را الزام می‌نماید که از انتظارات اساسی که بر مبنای آن سرمایه‌گذار خارجی تصمیم به سرمایه‌گذاری گرفته است، فاصله نگیرد» (PSEG Case, Para.240). در قضیه «وست‌منجمنت علیه دولت مکزیک»<sup>۴</sup> دیوان رأی داد: «بررسی رفتار ناقض اظهارات به‌وسیله دولت میزبان که به‌نحو معقولی از سوی سرمایه‌گذار مورد اتکا واقع شده است، در بررسی نقض استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه، مؤثر است». در قضیه «سالوکا» دیوان انتظارات مشروع سرمایه‌گذار خارجی را به‌عنوان عنصر برجسته استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه در نظر

۱. پیش از این قضیه، دیوان‌های داوری اندکی (دعوی متال کلد و ای دی اف) به مفهوم انتظارات، بدون اتخاذ موضع در این خصوص که آیا استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه متضمن حمایت از انتظارات مشروع است یا خیر، اشاره کرده بودند.

2. Biwater Gauff (Tanzania) Ltd v United Republic of Tanzania ICSID Case No ARB/05/22, Award, 24 July 2008, para.602.

3. PSEG Global v. Republic of Turkey, ICSID Case ARB/02/5, Award, 19 January 2007, (hereinafter, PSEG)

4. Waste Management, Inc v The United Mexican States (ICSID ARB(AF)/00/3), Award of 30 April 2004.

می‌گیرد.<sup>۱</sup> دیوان در قضیه «اکسیدنتال علیه اکوادور» ثبات چارچوب حقوقی و تجاری را عنصر اساسی رفتار عادلانه و منصفانه در نظر می‌گیرد.<sup>۲</sup>

اما در خصوص رویه داور باید به سه نکته توجه داشت: اول اینکه آرای داور سرمایه‌گذاری بین‌المللی یک منبع ثانویه حقوق بین‌الملل است؛ دوم اینکه رویه داور در خصوص این مفهوم کاملاً مشابه و یکسان نیست (به خصوص در دعوی نفتا و خارج از آن)؛ سوم اینکه آرای داور سرمایه‌گذاری بین‌المللی ارزش سابقه قضایی در مفهوم کامن‌لا را ندارد و اینکه در بسیاری از موارد این آرا سلیقه‌ای صادر می‌شود. بنابراین در استناد به آن‌ها به‌عنوان مبنا باید احتیاط لازم را به‌عمل آورد.

## ۵. دگرترین حقوقی

همان‌گونه که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری آمده است، دیدگاه‌های برجسته‌ترین حقوق‌دانان بین‌المللی کشورهای مختلف از جمله عوامل فرعی برای تبیین و تعیین قواعد حقوقی می‌باشد. در خصوص حمایت از انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران خارجی، نویسندگان و صاحب‌نظران مختلفی به بیان دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند.<sup>۳</sup> نظر به نبود هیچ پایگاهی در متن معاهدات سرمایه‌گذاری در خصوص حمایت از انتظارات سرمایه‌گذار، ممکن است شخصی با این دیدگاه موافق باشد که «این اظهار که رفتار عادلانه و منصفانه متضمن این تعهد است که نباید انتظارات مشروع سرمایه‌گذار نقض شود، به هیچ زبانی با مفهوم متداول که باید به اصطلاحات «عادلانه و منصفانه» داده شود، برابر نیست.<sup>۴</sup> اما بر اساس عقیده پروفیسور توماس والد، حوزه حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و داور میان دولت میزبان و سرمایه‌گذار خارجی با حوزه حقوق بین‌الملل عمومی و داور ناشی از آن متفاوت است که ناظر به حل اختلاف میان قدرت‌های حاکمیتی برابر می‌باشد. کارکرد داور سرمایه‌گذاری شبیه نهادهای

1. Saluka Investments B.V. v. The Czech Republic, UNCITRAL, Partial Award, mar 17 2006, para.302.  
 2. Occidental Exploration and Production Company v. The Republic of Ecuador, LCIA Case No. UN3467, Award, 2001, para.183.  
 ۳. برای مثال، نویسنده‌ای معتقد است انتظارات مشروع می‌تواند در نتیجه رفتار دولتی واضح و آشکار که ممکن است اشکال متفاوتی داشته باشد، اما صریح و بدون ابهام و در راستای منفعت شخص مورد خطاب است، ایجاد شود.  
 Snodgrass, Elizabeth, Protecting Investors' Legitimate Expectations: Recognizing and Delimiting a General Principle, ICSID Review- Foreign Investment Law Journal, Vol.21, 2006, p.56  
 اما در مقابل، سورناراجه معتقد است که حمایت ماهوی از انتظارات مشروع به‌مثابه این است که به هر قراردادی یک شرط ثبات اضافه شود. Sornarajah M, ibid, pp.354-355.  
 4. Suez et al. V. Argentina, ICSID Case No.ARB/03/17, Decision on Liability, 30 July 2010, Separate Opinion of Arbitrator Pedro Nikken, para.3.

داخلی بررسی کننده قضایی افعال دولت میزبان است. این بررسی به منظور جلوگیری از سوءاستفاده دولت از قدرت در برابر شخص خصوصی ای که به نحو مشروعی بر تضمین های دولتی تکیه نموده است، صورت می گیرد. مسئله سوءاستفاده از قدرت هسته مرکزی اصول حکمرانی خوب است که در معاهدات حمایت از سرمایه گذاری منعکس شده است. در واقع مسئله اساسی این است که دولت از سوءاستفاده از نقش خود به عنوان حاکم و قانون گذار، پس از قبول تعهدات در برابر سرمایه گذار بر مبنای اصل انتظارات مشروع منع شود (Thunderbird). (Separate Opinion, para.13).

اما نکته ای که باید به آن اشاره شود این است که زمانی که یک دکترین حقوقی رواج می یابد، تمایل به جذب قواعد از پیش موجود دارد. این نکته در خصوص دکترین انتظارات مشروع هم صادق است؛ چراکه در قضایای مربوط به قانون گذاری دارای اثر عطف به ماسبق و در موارد نقض قرارداد اعمال شده است. می توان استدلال کرد که دکترین باید به عنوان یک تئوری «مازاد» عمل نماید. لذا باید فقط قضایایی را تحت پوشش قرار داد که نمی توان با قواعد مسلم حامی حقوق در مورد آن ها به نتیجه رسید؛ خواه آن حقوق ناشی از قرارداد باشد یا ناشی از یک تصمیم اداری که بعدها ملغاً شده است یا حقوق مکتسبی باشد که نمی تواند چنان که قانون عطف به ماسبق شود، تحت تأثیر قانون جدید قرار گیرد. انتظارات مشروع به طور عمده در موقعیت هایی که این قواعد نمی تواند راه حلی را برای رفتار غیرمنصفانه دولت با شخص خصوصی تأمین نماید، ابزار مفیدی است که می تواند به دیوان در دستیابی به نتیجه عادلانه کمک کند (Schill, 2010, p.425-426).

## نتیجه

انتظارات سرمایه گذار تقریباً در تمام جنبه های حقوق سرمایه گذاری خارجی مدرن شامل تعریف سرمایه گذاری، محاسبه غرامت، ادعای سلب مالکیت غیرمستقیم، و ادعای رفتار عادلانه و منصفانه ایفای نقش می نماید. اما باید گفت با توجه به رویه دآوری، انتظارات سرمایه گذار به عنوان یکی از عناصر استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه مطرح شده است.

در متن معاهدات حمایت از سرمایه گذاری اشاره ای به حمایت از انتظارات مشروع سرمایه گذار نشده است. دیوان های دآوری در پرتو تفسیر استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه، حمایت از انتظارات مشروع سرمایه گذار را مقرر نموده اند، اما آرای آن ها فاقد تجزیه و تحلیل در خصوص دلایل شمول رفتار عادلانه و منصفانه نسبت به حمایت از انتظارات مشروع به عنوان یک عنصر فرعی برجسته است. با وجود این، به نظر می رسد که خواه استاندارد رفتار عادلانه و

منصفانه را به‌عنوان یک استاندارد معاهداتی مستقل در نظر بگیریم، خواه به‌عنوان بخشی از استاندارد رفتار حداقلی بین‌المللی، اقتضای رفتار عادلانه و منصفانه با سرمایه‌گذار خارجی این است که انتظارات مشروع وی خدشه‌دار نشود. در صورت در نظر گرفتن استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه به‌عنوان یک استاندارد معاهداتی مستقل، قواعد تفسیر شامل تفسیر بر اساس حسن‌نیت، تفسیر مطابق مفهوم متفاهم عرفی و تفسیر بر اساس هدف و مقصود معاهده، ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد. در فرض دوم هم یکی از روش‌هایی که به‌منظور تعیین مضمون هنجاری استاندارد به‌عنوان بازتابی از استاندارد رفتار حداقلی بین‌المللی مطرح شده است، تحت قاعده درآوردن رویه دآوری موجود در خصوص تفسیر و اعمال استاندارد است. بر پایه این دیدگاه، نگاهی به آرای که تا به امروز در زمینه تفسیر و اعمال استاندارد صادر شده‌اند، نشان می‌دهد که این آرا به‌طور ضمنی الزام‌کننده رفتاری هستند که مطابق مفهوم حاکمیت قانون است. چهار اصل معقول بودن، ثبات، عدم تبعیض و شفافیت، هسته بعد ماهوی حاکمیت قانون هستند. آرای دآوری تفسیرکننده رفتار عادلانه و منصفانه هماهنگ با این اصول‌اند؛ لذا ثبات یکی از الزامات ناشی از استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه است.

اما در صورت نبود معاهده حمایت از سرمایه‌گذاری و عدم ارجاع به استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه، در خصوص حمایت از انتظارات به استناد سایر منابع حقوق بین‌الملل باید گفت حمایت از انتظارات در حقوق بین‌الملل عرفی دارای پایه و مبنای محکمی نیست، بلکه از اصول کلی حقوقی و آرای مکرر و مداوم دیوان‌های دآوری در سالیان اخیر نشئت می‌گیرد (Reinisch, 2008, p.131).

از «اصول کلی حقوقی» مجموعه‌ای از اصول مشترک میان نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر استنباط می‌شود که از قابلیت اجرا در نظام حقوق بین‌الملل برخوردار می‌باشد. در اختلافات بین‌دولتی، اصول کلی حقوقی به‌طور سنتی از حقوق خصوصی داخلی استنباط و استخراج شده است، اما هیچ چیز مانع از انتقال اصول کلی حقوق عمومی به حقوق بین‌الملل نیست؛ هم در حیطه حقوق خصوصی و هم در حیطه حقوق عمومی، شاهد نمودهایی از حمایت از انتظارات در شکل‌گیری سبب دعوی هستیم. هرچند وجود تفاوت‌هایی در میان سیستم‌های حقوقی مختلف در این زمینه ناگزیر است، اما تشابهات هسته‌ای باید پررنگ و بر آن تأکید شود. در واقع، تبعیت عمومی از یک دگرترین که در سیستم‌های حقوقی متفاوت شکل یکسانی داشته باشد، برای تعیین یک اصل کلی حقوقی شناخته‌شده به‌وسیله ملل متمدن لازم نیست. با توجه به آنچه گفته شد، چنانچه دگرترین انتظارات مشروع به‌عنوان یک اصل کلی حقوقی پذیرفته شود، حتی در صورت نبود معاهده حمایت از سرمایه‌گذاری، در شرایطی که قانون حاکم بر قرارداد سرمایه‌گذاری متضمن حقوق بین‌الملل باشد، باید از انتظارات مشروع سرمایه‌گذار

خارجی حمایت شود.

## منابع و مأخذ

الف) فارسی

کتابها

۱. موحد، محمدعلی (۱۳۸۴)، درس‌هایی از داوری‌های نفتی، ملی کردن و غرامت، تهران: نشر کارنامه

مقاله‌ها

۲. بولانزه، ژان (۱۳۷۶)، «اصول کلی حقوق و حقوق موضوعه»، مترجم: علیرضا محمدزاده وادقانی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۳۶.

۳. موحد، محمدعلی (۱۳۶۹)، «دعای کنسرسیوم در برابر دیوان داوری ایران- ایالات متحده»، مجله کانون وکلا، ش ۱۵۲ و ۱۵۳.

۴. محبی، محسن (۱۳۸۵)، «رویه داوری بین‌المللی درباره‌ی غرامت (دعای نفتی)»، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، ش ۳۵.

ب) خارجی

### Books

5. Byers, Michael (1999), Custom Power and the Power of Rules (International Relations and Customary International Law), Cambridge University Press
6. Klager, Roland (2011), Fair and Equitable Treatment in International Investment Law, Cambridge University Press
7. Mclachlan, Campbell (2010), International Investment Arbitration: Substantive Principles, Oxford University Press
8. Montt, Santiago (2009), State Liability in Investment Treaty Arbitration (Global Constitutional and Administrative Law in the BIT Generation), Hart Publishing
9. Reinisch, August (2008), Standards of Investment Protection, Oxford University Press
10. Sasson, Monique (2010), Substantive Law in Investment Treaty Arbitration: The Unsettled Relationship between International Law and Municipal Law, Published by Kluwer Law International
11. Schill, Stephan W (2010), International Investment Law and Comparative Public Law, Oxford University Press
12. Sornarajah M (2010), The International Law on Foreign Investment, Cambridge University Press
13. Tudor, Ioana (2008), the Fair and Equitable Treatment Standard in International

Foreign Investment Law. Oxford Monographs in International Law

**Articles**

14. Dumberry, Patrick (2014), «The Protection of Investor's Legitimate Expectations and the Fair and Equitable Treatment under NAFTA Article 1105», *Journal of International Arbitration* 31, no.1
15. Fietta, Stephen (2006), «Expropriation and the Fair and Equitable Standard: The Developing Role of Investors' Expectations in International Investment Arbitration» *Journal of International Arbitration*, Vol.23 (5)
16. Kreindler, Richard (2006), «Fair and Equitable Treatment– A Comparative International Law Approach», *Transnational Dispute Management Journal*, Vol. 3, issue 3
17. Marshall, Fiona (2007), «Fair and Equitable Treatment in International Investment Agreements», Paper Presented at the Forum for Developing Country Investment Negotiators, Singapore
18. Monebhurrin, Nitish, «Gold Reserve Inc. v. Bolivarian Republic of Venezuela: Enshrining Legitimate Expectations as a General Principle of International Law?» (2015) 32 *Journal of International Arbitration*, Issue 5
19. Nowak, Lucja (2012), «The Use of Other Areas of Law to Develop and Analyze The Concept of Legitimate Expectations in International Law», Paper Presented at International Economic Law Research in Progress Symposium
20. Perry, Adam & Ahmed, Farrah (2012), «Promises, Practices, and Policies: A Rule - Based Unification of the Doctrine of Legitimate Expectations», *Melbourne Legal Studies Research Paper*, No.614
21. Potesta, Michele (2013), «Legitimate Expectations in Investment Treaty Law: Understanding the Roots and the Limits of a Controversial Concept», *ICSID Review*, Vol. 28, No. 1
22. Smith, Stephen A (2009), «The Reasonable Expectations of the Parties: An Unhelpful Concept», *Canadian Business Law Journal*, Vol. 48, Issue 3
23. Snodgrass, Elizabeth (2006), «Protecting Investors' Legitimate Expectations: Recognizing and Delimiting a General Principle», *ICSID Review- Foreign Investment Law Journal*, Vol.21
24. Vandavelde, Kenneth J(2010), «A Unified Theory of Fair and Equitable Treatment», *New York University Journal of International Law and Politics*, Vol. 43, Issue 1
25. Yannaca-Small, Catherine (2004), «Fair and Equitable Treatment Standard in International Investment Law», *Working Papers on International Investment by OECD*.